

یک‌شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۹۹ ● ۱۸ شعبان ۱۴۴۱ ● ۱۲ آپریل ۲۰۲۰

دی‌کانیو؛ داستان اهریمنی که فرشته شد



۴٫۲ میلیون پوندی دست به کار شد و او را به خدمت گرفت. تقریباً هر تیمی طعم گل خوردن از زوج او و بنیتو کروبنه را چشید. ونزدی فصل ۱۹۹۷ را در رده دوازدهم لیگ برتر به پایان رساند و این زوج جمعاً ۲۳ گل زدند. دی‌کانیو با ۱۴ گل آقای گل تیمش بود. در ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۸، پاتریک ویرا (هافبک قدرتمند آرسنال که دی‌کانیو از زمان حضورش در میلان او را می‌شناخت) توسط ویم جونک بازیکن شفیلد ونزدی، نقش بر زمین شد و یک درگیری رخ داد. دی‌کانیو به سرعت سمت آن‌ها دوید: «تلاش کردم به ماجرا خاتمه بدم و آن‌ها را از هم جدا کنم. سپس مارتین کیون آمد و با حرکت زیرکانه و از روی عناد، تلاش کرد آن‌ها را از هم جدا کند و ضمناً آرنجش را به صورتم زد.» کیون تأکید کرده است که آن یک اتفاق بود ولی دی‌کانیو سریع‌ا برداشت دیگری داشت: «تلاش کردم گردنش را بگیرم و پایش را لگد کنم. آن یک واکنش احمقانه ولی غریزی بود.»

در پی این اتفاق، دی‌کانیو اخراج شد و باقی ماجرا همیشه به یاد می‌ماند: «وقتی پل آلکاک (داور مسابقه) را دیدم که کارت قرمز را جلوی من گرفته است، کنترل‌رم را از دست دادم. من که ضربه آرنج دریافت کرده بودم، درد هم کشیدم و حالا باید جریمه می‌شدم» بدون هیچ حرکت خشنی، او را کنار ردم، فقط یک هل بود که البته تصمیم اشتباهی بود.» باشگاه به او پیشنهاد کرد مستقیماً راهی ایتالیا شود چرا که تیمات سنگینی در انتظارش بود. محرومیت ۱۱ جلسه‌ای او به صفحه اول و آخر تمامی روزنامه‌ها راه یافت و حتی تونی بنکس فقیه، وزیر ورزش وقت انگلیس) او را «وحشی» خطاب کرد.

در آن دوران سخت، کسی پشتیبان او نبود: «در دو هفته ابتدایی کسی با من تماس نگرفت. من می‌خواستم قهقهه بزنم و بگویم: بنابرین خودم تماس گرفتم. کسی را نکشتم‌ام. مرا جریمه و تنبیه می‌کنید، بسیار خب ولی می‌خواهم در انگلیس بمانم. مرا به ماندن در ایتالیا مجبور کردند. خواسته‌م من کاهش محرومیت ۱۱ جلسه‌ای بود. کسی از من دفاع نکرد. سراغ وکلای دادگستری رفتم و آن‌ها هم از من حمایت نکردند. در نهایت

پائولو دی‌کانیو؛ کسی که حتی هنگام پینگ پنگ بازی کردن هم خشن است. به گفته خودش: «من یک آدم عصبانی هستم. وقتی رقابت می‌کنم، این تند مزاجی همراه من است.»

اسکای گزارش می‌دهد: تعصبش بر روی فوتبال هنوز مثال زدنی است و این را با خودش به دفتر اسکای در ایتالیا آورده است: «ما در میلان هستیم ولی من اهل رم هستم.» تیم محبوبش؟ لاتزیو: «سه برادر بزرگ‌تر دارم که طرفدار رم بودند. جلوتر می‌توانستم دنباله رو آن‌ها باشم؟ باید بر عکس آن‌ها پیش می‌رفتم.»

ماجراجویی دی‌کانیو باعث شد تا در ۲۸ سالگی از بازی کردن در بالاترین سطح سری آ است بکشد و به فوتبال انگلیس نقل مکان کند تا چالش‌های جدیدی را پیش روی خود ببیند. برای این، هر انسانی یک روی پاک و یک روی اهریمنی دارد که چهره شدن هر یک از آن‌ها بر دیگری، بستگی به شرایط دارد. در سال ۱۹۹۶ دی‌کانیو به یک دو راهی رسید. او در برخی از بزرگ‌ترین باشگاه‌های ایتالیا بازی کرده بود (لاتزیو، یوونتوس، ناپولی و میلان) و به قهرمانی در سری آ و جام یوفا دست یافته بود. اما فقدانِ او احساس می‌کرد. او هرگز مرد اول تیمش نبود: «از خودم پرسیدم چرا دوباره در ایتالیا بچرخم وقتی این فرصت را دارم تا فضای کاملاً متفاوتی را به عنوان یک فوتبالیست و انسان تجربه کنم.

وقتی تامی برنز به عنوان سرمربی سلتیک چنین چیزی را به او پیشنهاد کرد، دی‌کانیو تصمیمش را گرفته بود: «روای کوچکی برای من بود. در سنین پایین، با این پیراهن سفید و سبز با خطوط افقی که در آن زمان برای من آشنا بود، بازی می‌کردم. من و خانواده‌ام به سرعت احساس کردیم خانه دوم‌مان را پیدا کرده‌ایم.»

او در فصل اول ۱۵ گل زد و بهترین بازیکن سال لیگ اسکاتلند نام گرفت. اما او در پشت صحنه با عوامل باشگاه به مشکل خورده بود. او با امید به این که اگر عملکردش شروط لازم را برآورده کند در پایان فصل قرارداد بهتری به او پیشنهاد خواهد شد، به سلتیک پیوست. وقتی دی‌کانیو به دیدار فرگوس مک کان (ریاست وقت سلتیک) رفت، چیزی که انتظار داشت رخ نداد. او به من گفت: «به نظر مردم چیزی از فوتبال نمی‌دانند چون تو فصل خوبی نداشتی». جواب دادم: «این طور نگویید آقای رییس! شوخی می‌کنید؟»

سلتیک در آن فصل پس از رنجرز قهرمان، دوم شد و دی‌کانیو حاضر بود عنوان فردی خود را با افتخاری تیمی عوض کند ولی مک کان حاضر به مذاکره نبود، همین طور دی‌کانیو: «من آدم خودخواهی نیستم. وضعیت طوری پیش رفت، که باید می‌فکتم: «چاپو، چاپو» (خدا حافظ، خداحافظ). یک درد درونی دارم چون دوران فوق العاده‌ای را کنار هواداران تیم داشتم و عاشق‌شان بودم ولی نمی‌توانستم تحت نظر فردی بازی کنم که چنین رفتاری با من داشت.»

عملکرد دی‌کانیو در جنوب کشور نادیده گرفته نشد. شفیلد ونزدی به سرعت با پیشنهادی

و آنها همچنان بازی می‌کنند. فوتبال در گوشه و کنار جهان مدت‌هاست که کشف‌های غبارآلودش را اویزان کرده برای اینکه به مقابله با شیوع ویروس کرونا برود اما یک لیگ است که مثل قبل به سابقه ادامه می‌دهد و با وجود افزایش میزان مرگ و میر همچنان به توپ لگد می‌زند.

لیگ برتر بلاروس یا ویشی شایا لیگا اگر بخواهید نام رسمی‌اش را بدانید، تنها رقابت فوتبال باقی مانده در اروپا و چهارمین در جهان در کنار نیکاراگوئه، بروندی و تاجیکستان است که هنوز درش را باز نگه داشته و با ویروس کرونا و اشاعه آن مشکلی ندارد. «صادقانه می‌گویم غیرقابل درک است» این واکنش یوناس بائر هوفمان، دبیر کل اتحادیه جهانی بازیکنان موسوم به FIFPro است در برابر سرخستی و مقاومتی که تصمیم گیران برگزاری لیگ بلاروس به تعلیق این رقابت‌ها نشان می‌دهند.

اما واقعاً جای شگفتی است وقتی رئیس جمهور این کشور، الکساندر لوکاشنکو، ویروس کرونا را به تمسخر گرفت و آن را ناشی از «جنون و روان پریشی» دانست؟! او تجویز کرده برای اینکه از شر این بیماری که تا به حال جان ۶۰ هزار نفر را در سراسر جهان گرفته، به سونا بروند و صد میلی لیتر وِدکا مصرف کنند. بنابرین همه چیز در این کشور عادی است. این آخر هفته هر ۱۶ تیم حاضر در لیگ سومین بازی فصل شان را انجام می‌دهند. شنبه شاختیور سولویگورسک با نمن به تساوی بدون گل رسید و باته بوریسوف – مشهورترین تیم بلاروس که نامش را در رقابت‌های اروپایی شنیده‌ایم– روح پرست را با یک گل شکست داد.

اما واقعاً تا کی می‌توانند ادامه دهند؟ هفته گذشته بلاروس نخستین قربانی مربوط به کرونا را داشت و ویکتور داشکویچ بازیگر ۷۵ ساله جان خود را از دست داد.

اوتزین رولویوچ مهاجم اف سی مینسک به دیلی میل می‌گوید: «یونانگی محض است، ما تنها کسانی هستیم که داریم به بازی ادامه می‌دهیم. اینجا طوری رفتار می‌کنند که انگاز چیز مهمی نیست و ما نباید بترسیم و نگران باشیم. اینجا یک ذهنیت عجیب وجود دارد که اگر شما از چیزی بترسید، انسان نیستید.»

رولویوچ از مونه نگرو است و یکی از معدود بازیکنان شاغل در لیگ برتر بلاروس که انگلیسی صحبت می‌کند. در کشور خودش که نامزد و دختر ۱۱ ماهه اش در آن زندگی می‌کنند، بعد از ساعت هفت شب یا آخر هفته‌ها کسی اجازه تردد ندارد. در بلاروس اما هیچ محدودیت اجتماعی وجود ندارد فقط اینکه دست‌هایتان را بشویید و از تماس خودداری کنید. البته این در همه جا هست مگر زمین فوتبال.

یان اوپلاک در همه آمار برتر از دیگر دروازه‌بان های لالیگا در یک دهه اخیر بوده است. به گزارش مونود دپورتیوو، یان اوپلاک اکنون بهترین دروازه‌بان جهان محسوب می شود. کمتر کسی شکی در این موضوع دارد. با این حال آمار هم بهترین بودن دروازه‌بان اتلتیکو مادرید را نشان می دهد. آمار می گوید او دروازه‌بانی است که در چهار فصل اخیر چهار بار جایزه بهترین (بهترین دروازه‌بان لالیگا) را کسب کرده و به دنبال پنجمین عنوان است.

بهترین دروازه‌بان یک دهه اخیر لالیگا کیست؟

علاوه بر این عنوان، آمار اعلام شده توسط Opta کارشناسان آمار جهان فوتبال) نشان می دهد اوپلاک بی رقیب است. این سازمان روی عملکرد دروازه‌بان های لالیگا از فصل ۱۱–۲۰۱۰ تا فصل جاری تحقیق کرده که آمار دروازه‌بان اسلونیایی قابل توجه است. او کمترین میانگین گل خورده را در یک دهه اخیر لالیگا به نام خود ثبت کرده است (دروازه‌بان هایی که حداقل ۱۰۰ بازی انجام دادند در این آمار بررسی شدند). دروازه‌بان اتلتیکو در ۱۸۰ بازی میانگین گل خورده

روزنامه‌صبح ایران

استیجای

داستان اهریمنی که فرشته شد

موفقیت از راه رسید. در اولین فصل حضور دی‌کانیو در وست هم، این تیم در رتبه پنجم به کارش پایان داد. دی‌کانیو فصل بعد در ۳۰ بازی لیگ برتری، ۱۶ گل زد. بازوبند کاپیتانی به او رسید و غرور گذشته‌اش احیا شد. آن والی سال ۲۰۰۰ مقابل ویمبلدون، نقطه اوج کارش بود. اما در همان سال، او جوانمردی خودش را هم نشان داد. وقتی ارسال ترور سینکлер به دی‌کانیو رسید، پل جرارد (دروازه‌بان اورتون) به دلیل مصدومیت روی زمین افتاده بود. دی‌کانیو به جای گلزنی مقابل یک دروازه خالی که می‌توانست برتری ۲–۱ تیمش را به دنبال داشته باشد، توپ را با دست گرفت:» وقتی دیدم جرارد بی هیچ دلیلی برای تظاهر کردن روی زمین افتاده است، ارزش‌هایم در اولویت قرار گرفتند. ظرف دو سه ثانیه باید آن موقعیت را درر می‌کردم.»

بازیکنی که روزگاری به خاطر هل دادن داوری ۱۱ جلسه محروم شده بود، جایزه «حرکت جوانمردانه سال» فیفا را کسب کرد. او با اشاره به شانه سمت راستی که فرشته روی آن می‌شنید، می‌گوید: «این یکیش بیشتر متعلق به من است.» سرکسمس ۲۰۰۱ تلفن دی‌کانیو زنگ خورد و شخصی به اسم سر الکس فرگوسن پشت تلفن بود. اولین بار از دو مرتب‌های بود که فرگوسن برای جذب دی‌کانیو تلاش کرد. در واقع دی‌کانیو که قبلاً به او گفته بودند بازی کردن در لیگ برتر را فراموش کند، از موفق‌ترین تیم تاریخ لیگ برتر پیشنهاد داشت: «فکر کردم یک شوخی باشد و دوستم از ایتالیا به من زنگ زده است. دلم کمی فرو ریخت چون باعث شد احساس کنم از آنچه تصور می‌کردم بزرگ‌تر هستم و خودم را دوست کم گرفته‌ام. منچستر یونایتد تماس گرفته بود و قصد داشت مرا برای انتقال به آنجا مجاب کند. چند دقیقه‌ای احساس قدرت و بزرگی کردم. نه گفتن به سر الکس برایم عجیب بود. گفتیم: «ممنونم، هزاران بار ممنونم ولی نمی‌توانم. وستهم پیشنهادی است که در بدترین لحظات زندگی‌ام کنار ماند و من کاپیتان آن‌ها هستم. نمی‌توانم موافقت کنم.» او گفت: «برایت احترام قائل هستم پائولو. به کسانی که چنین تفکری دارند، علاقه دارم. همان مردی هستی که فکر می‌کردم.» من در بدترین لحظات زندگی خودم به وستهم رفتم. در نهایت همان جا ماندم و از این بابت پشیمان نیستم. حتی با وجود این که یونایتد بهترین تیم شد و به قهرمانی در لیگ قهرمانان و لیگ رسید. هرگز آن جام‌های قهرمانی را با چهار سال و نیمی که در وستهم سپری کردم، عوض نمی‌کنم.

زمانی که در سال ۲۰۰۴ فرصت بازگشت به لاتزیو فراهم شد، دی‌کانیو نمی‌توانست به آن دست رد بزند. هرگز هشت سالی که در انگلیس سپری کردم را فراموش نمی‌کنم؛ آن‌ها مهم‌ترین سالیان زندگی من بودند. من در انگلیس به آدم دیگری تبدیل شدم؛ یک انسان اخلاقی‌مدار و کسی که برای دیگران احترام قائل است. بابت این‌ها، باید از مردمان انگلیس تشکر کنم.

هرگز هشت سالی که در انگلیس سپری کردم را فراموش نمی‌کنم؛ آن‌ها مهم‌ترین سالیان زندگی من بودند. من در انگلیس به آدم دیگری تبدیل شدم؛ یک انسان اخلاقی‌مدار و کسی که برای دیگران احترام قائل است. بابت این‌ها، باید از مردمان انگلیس تشکر کنم.

ورزش



داده‌اند. هواداران باشگاه نمن از هواداران دیگر تیم‌ها خواسته‌اند در مسابقات شرکت نکنند و گفته‌اند: «ما فکر می‌کنیم یک نفر دارد به ما دروغ می‌گوید.» باشگاه شاختیور سولویگورسک هم از هواداران مسن و نوجوان و بیمار خود درخواست کرد در بازی شنبه برابر نمن حاضر نشوند.

بازیکنان روخ برست هم قبل از بازی با باته بوریسوف از تی شرت‌هایی استفاده کردند که رویش نوشته بود: «ما برای تمام دنیا بازی می‌کنیم.»

در حالی که تصمیم بلاروس برای ادامه مسابقات فوتبال خشم و حیرت بسیاری را بر انگیزته اما از طرف دیگر خیلی‌ها در جهان را متوجه لیگ این کشور کرده که هرگز مورد توجه نبوده. این لیگ ۱۰ قرارداد پیش در کشورهایی در اروپا امضا کرده است. اف سی اسلاسک حتی یک پیج ساخته برای دریافت کمک‌های مردمی از طریق چهار پول رایج دنیا از جمله دلار و یورو تا بتواند اسپانسر لازم را برای اجناس امانشده خود پیدا کند.

آخروم سربدوک مهاجم اسلاسک به دیلی میل می‌گوید: «وقتی می‌خواهم بازی کنم چون در حال حاضر ما یکی از چند رقابت فوتبال در سراسر جهان هستیم که مردم می‌توانند تماشا کنند و در این موقعیت دشوار از آن لذت ببرند. من احساس امنیت می‌کنم چون باشگاه تمام اقدامات لازم را انجام داده. به ما ماسک و دستکش ایمن داده‌اند، تلاش می‌کنیم همه روز را در خانه باشیم مگر وقتی که تمرین یا بازی داریم. فکر می‌کنم سلامت ما دست خداوند باشد. گاهی وقت‌ها فکر می‌کنم ما کمی هم خوش‌شانس بوده‌ایم چون الان همه دنیا ما را نگاه می‌کنند و می‌توانیم خودمان را نشان دهیم. بعضی اوقات هم با خودم فکر می‌کنم که خدای من، این ویروس همه جا را گرفته و ما تنها کسانی هستیم که بازی می‌کنیم و خودمان را در معرض آن قرار می‌دهیم. از این یکی باید کمی ترسید»

قدرت دفاعی تیم دیگو سیمونه را نشان می دهد که در یک دهه اخیر باعث شده است دو دروازه‌بان اصلی اش آمار خیلی خوبی را به خود اختصاص دهند. در رابطه با اوپلاک داستان کمی متفاوت است. او تنها در این آمار برتر نیست. دروازه‌بان اسلونیایی در ۹۹ بازی دروازه اش را بسته نگه داشت. او اکنون تنها یک دیدار با رسیدن به یک رکورد تاریخی فاصله دارد. او می تواند اولین دروازه‌بان خارجی باشد که در تاریخ لالیگا به رکورد ۱۰۰ کلین شیت می رسد.

اخبار

آیا روی کین به فوتبال پدر اربلینگ هالند پایان داد؟

آلفی هالند هرگز از ویژگی‌هایی که پسرش در حال حاضر دارد، برخوردار نبوده است. گرام سونس نیز اخیراً در مصاحبه‌ای گفته بود: «مادر اربلینگ (هالند) حتماً بازیکن خوبی بوده است زیرا پدرش بازیکنی بسیار کند بود!» البته اگر بخواهیم انصاف را راجع به هالند بزرگ‌تر رعایت کنیم، این بازیکن نروژی به قدری خوب بود که اکثر سال‌های حضورش در فوتبال را در انگلستان و در تیم‌هایی همچون ناتینگهام فارست، لیدز یونایتد و منچسترسیتی بگذراند. با این حال هافبک نروژی در بین طرفداران لیگ برتر انگلیس بیشتر به دلیل دریافت یکی از بدترین و خشن‌ترین تکل‌های تاریخ شناخته می‌شود. در واقع بسیاری بر این باورند که روی کین به کار هالند در فوتبال پایان داد.

حادثه موردنظر در تاریخ ۲۱ آوریل ۲۰۰۱ افتاده، هنگامی که منچستر یونایتد میزبان منچسترسیتی در ورزشگاه اولدترافورد بود. با این حال ریشه‌های این نبرد انتقام آمیز به مصدومیتی که روی کین در ۴ سال قبل از این بازی متحمل شد، مربوط می‌شود. در ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۷ منچستر یونایتد باید برای بازی با یکی از رقیبان سنتی و نفرت‌انگیز خود، لیدز یونایتد، به الان رد می‌رفت. همانطور که روی کین درباره این بازی اعتراف کرده است، او شرایط حضور در این مسابقه را نداشته است. روی کین دقیقاً دو روز قبل از این بازی، در یک هتل مست کرده بوده است. در کمال تعجب، او از ابتدا کار خود را در آن بازی شروع کرد و به مبارزه با اثرات باقی مانده از مستی و همچنین به مبارزه با آلفی هالند پرداخت. «او به دست و پای من می‌پیچید»، روی کین این جمله را درباره هالند در بازی با لیدز در کتاب زندگینامه خود در سال ۲۰۰۲ نوشته است: «۵دقیقه بعد، من خودم را درست در مقابل هالند انداختم، سعی می‌کردم به جای اینکه به او ضربه بزنم، به او پشت یا بدهم تا جلوی حرکت او را بگیرم و او را متوقف کنم و می‌دانستم که انجام این کار باعث جریمه شدن من می‌شود اما اون لعنتی مرا کلافه کرده بود!» با این حال، ضربه زدن به هالند در واقع باعث مصدوم شدن خود روی کین شد و رباط صلیبی پای چپ او پاره شد. در آن لحظه هیچ یک از بازیکنان لیدز از موضوع اطلاعی نداشتند اما هالند به همراه یکی دیگر از هم‌تیمی‌های خود، ودرال، به بالای سر روی کین آمدند و درحالی که کین روی زمین افتاده بود، او را به مصدومیتی دروغین و فربش بدهند متهم کردند.

با توجه به اینکه منچستریونایتد از تمامی تعویض‌های خود استفاده کرده بود، روی کین با تلاشی بیهوده سعی در ادامه بازی داشت و همین عامل موجب شد تا مصدومیت او بدتر شود و فصل را از دست بدهد. بعد از این اتفاق، روی کین و آلفی هالند چندین بار در ۴ سال آینده باهم رو به رو شدند و هیچ درگیری میان این دو بازیکن رخ نداد، تا اینکه هالند به منچسترسیتی پیوست. در بازی‌های پایانی فصل ۲۰۰۰ روی کین به طور ناگهانی و طی حرکتی شرورانه، تصمیم به انتقام گرفت. کین در کتاب زندگینامه خود راجع به تاقابل با هالند، ۴سال پس از مصدومیتش، می‌گوید: «به اندازه کافی صبر کرده بودم.»پس از اینکه تنها ۴ دقیقه از دربی شهر منچستر گذشته بود، کاپیتان منچستریونایتد در یک خطای وحشتناک و بسیار خشن بر روی زانوی راست هالند، هر دو پای او را از زمین بازی خارج کرد. روی کین در این باره می‌گوید: «ضربه خیلی سختی به او زدم. توپ در آنجا بود (به گمانم) و من بعد از خطا بر روی او گفتم: بگيرش حروم‌زاده!» دیوید ایلری، داور مسابقه، بی درنگ کارت قرمز را به روی کین نشان داد درحالی‌که روی کین قبل از دریافت کارت از سوی داور، زمین مسابقه را ترک کرده بود و منتظر داور نمانده بود! با این حال قبل از خارج شدن از زمین، خم شد و به هالندی که بر روی زمین افتاده بود و از درد به خود می‌پیچید گفت: «دیگر جلوی من نایست و بابت مصدومیت‌های الکی به من نخند. به رفیقیت ودرال هم بگو برای او هم دارم.»

در واقع این روی کین بود که پرده از این قضیه برداشت و با سخنان خود همه چیز را فاش کرد. هالند راجع به آن اتفاقی که در دربی افتاده بود، خیلی کم حرف زده بود و راجع به آن قضیه رازداری کرده بود. هالند در آن زمان به خبرنگاران گفته بود: «خنده‌دار است. از سال ۱۹۹۷ ، او حتی به من نگاه هم نکرده است. همیشه در چنین بازی‌هایی شاهد این خطاها هستیم، اما این خطا کمی بیش از حالت عادی بود. من به شما نخواهم گفت که روی کین به من چه گفت. فقط بایباید این را بگویم که حرف های خیلی خوبی نزد من شنیدم. خوشحالی من از این است که هر دو پای من از میدان بازی خارج شده بود، در غیر این صورت او مصدمات و ضربه‌های بیشتری را به من وارد می‌کرد! در دفعه بعدی که با منچستریونایتد بازی داشته باشیم، باید بیمه درمانی خود را ارتقا دهم.»

کین به پرداخت ۵۰۰۰ پوند جریمه شد و از حضور در ۳ مسابقه محروم شد. با این حال، پس از اعتراف در زندگینامه خود مدتی بر اینکه خطای او تلافی‌جویانه و به قصد انتقام بوده است، توسط اتحادیه فوتبال انگلستان به پرداخت ۱۵۰ هزار پوند جریمه و از حضور در ۳ مسابقه محروم شد. آن‌ها کین را به دلیل دو اتهام، مقصر دانستند. اولین اتهام مربوط به خطای او این بود که خطای او با انگیزه‌ای نادرست و تلافی‌جویانه همراه بوده است. دومین اتهام مربوط به روی کین این بود که حرف‌هایی که روی کین راجع به خطایش بر روی هالند در کتاب زندگینامه‌اش گفته است به این دلیل است که او با گزارش آن رویداد به دنبال فروش بیشتر کتاب زندگی‌نامه‌اش و به دنبال سود بیشتری بوده است. با این حال، روی کین پس از این اتفاق نیز هرگز ابراز پشیمانی نکرد. روی کین در کتاب دیگر خود «این همه دوم» که در سال ۲۰۱۴ منتشر شد در این رابطه گفته بود: «هالند در بازی مقابل من، مدام در حال تحریک من بود. آب زیرکاه بودن او موجب ناراحتی من می‌شد. من قصد داشتم به او ضربه‌ای بزنم و به او بفهمانم که چه اتفاقی افتاده است. من قصد داشتم به او ضربه بزنم و پس از انجام این کار، رو به روی او ایستادم و گفتم: «بگیرش حروم‌زاده! و از انجام این کار پشیمان نیستم. اما من به هیچ وجه نمی‌خواستم باعث مصدومیت او شوم.»

اسطوره شیاطین سرخ بر این موضوع اصرار دارد که هرگز خواستار مصدوم شدن هالند نبوده اما کین نه تنها هالند را مصدوم کرد، بلکه به فوتبال او نیز پایان داد. با این حال، هالند بازی را با وجود مشکلاتی که داشت ادامه داد و ۴ روز بعد نیز در یک بازی دوستانه برای تیم ملی نروژ به میدان رفت در بازی مقابل لیدز یونایتد، ۶۸ دقیقه در زمین حضور داشت. هالند در تابستان همان سال تحت عمل جراحی قرار گرفت اما به جای پای راست او، زانوی چپ او تحت عمل قرار گرفت. در نهایت و در سال ۲۰۰۳، هالند به دلیل مصدومیت تصمیم به بازنشستگی گرفت و کمی بعد از آن حادثه، راجع به آخرین تأثیرات حرکت کین بر روی زانوی او سوال شد و او به روزنامه دیلی میل گفت: «این زانو هنوز هم مرا اذیت می‌کند و انگار درد آن نمی‌خواهد از بین برود. من باید این را قبول کنم. آیا آن تکل به دوران من در فوتبال پایان داد؟ من بعد از آن تکل، هرگز در یک مسابقه کامل حضور نداشتم، اینطور نبود؟ به نظر می‌رسد تطابق زیادی بین این دو حادثه وجود دارد، شاید اینطور فکر نمی‌کنید؟» علی‌رغم تشکیل پرونده نسبت به این موضوع در دادگاه، هالند هرگز علیه روی کین اقدام قانونی نکرد و در سال ۲۰۱۴ در مصاحبه با بی بی سی گفت: «من روی کین را به دلیل ضربه‌ای که در آن مسابقه به من زد مقصر نمی‌دانم. آنچه که باعث نگرانی من می‌شود این است که او در کتاب اول خود گفته بود که قصد انتقام داشته است و من فکر نمی‌کنم انتقام جویی، بخشی از بازی فوتبال بوده باشد. من او را مقصر نمی‌دانم. من هیچوقت نگفتم که روی کین باعث پایان کار من در فوتبال شد. بازی با منچستریونایتد، آخرین بازی‌ای بود که من به طور کامل در زمین حضور داشتم بنابرین شاید بازنشستگی من ارتباطی به حرکت روی کین داشته باشد.»

در هر صورت، واقعیت این است که اگرچه این امکان وجود دارد که روی کین در بسیاری از موارد مقصر باشد، اما پایان دادن به دوران بازی آلفی هالند، یکی از موارد نیست.

در زندان بر رونالدینیو چه گذشت؟

بازیکن بازنشسته برزیلی روزهای متفاوت و عجیبی را در زندان پاراگوئه سپری کرد.

به گزارش بی ساکر، رونالدینیو اکنون در یک هتل مجلل در حبس خانگی به سر می‌برد. بازیکن بازنشسته برزیلی به خاطر پاسپورت تقلبی یک ماه در زندان پاراگوئه بود. بلاس ورا، رییس بخش زندان در یک مصاحبه با نشریه اوله درباره روزهایی که ستاره سابق تیم ملی برزیل در آن جا بود صحبت کرد. او گفت: زمانی که رونالدینیو به آگروپاسیون آمد، در روزهای نخست همه می‌خواستند در کنارش باشند. با گذشت زمان حضور بازیکن بازنشسته عادی شد. او با خیلی از زندانیان دوست شد. همه چیز عادی بود. روند کار به خاطر رونالدینیو تغییر نی کرد.

ورا افزود: در میان زندانیان قاتلچیه، شخیر سیاسی، دزد و… بود اما هیچ کس مانند رونالدینیو مشهور نبود. سستیم ما نیمه باز بود و نه میله، قفل و نه کلیدی وجود داشت. چند روز طول کشید تا خود را با شرایط جدید وفق دهد. سپس بهتر شد و شروع کرد به تقسیم کباب ها همچنین به فوتسال و فوتبال ساحلی بازی کردن مشغول شد.رییس بخش زندان آگروپاسیون در ادامه اظهار کرد: زمانی که رونالدینیو به زندان رفت یک تورنمنت بین زندانی ها شروع شده بود که او در این رقابت ها شرکت نکرد. در بازی فینال از او خواستند که با جام کسب بگیرد که او پس از پیشنهاد را قبول کرد. ورا درباره رسیدگی به ستاره سابق تیم ملی برزیل گفت: حال او را می پرسیدیم، اگر به چیزی نیاز داشت من در آنجا حاضر بودم. با لبخندی که روی لبانش است همیشه نشان می‌داد که حالش خوب است. هرگز در رفع نیازهای اولیه اش کمی و کاستی وجود نداشت.

ورا افزود: زمانی که در زندان حاضر شد لباسی را به تن داشت که با آن بازداشت شده بود. وکلایش برایش لباس های بیشتری آوردند. همچنین تلویزیون، یخچال کوچک و تخت های نو آوردند. آنها اجازه داشتند چنین کاری را انجام دهند. ورا در ادامه اظهار کرد: ۹ صبح نخستین پکشنیه ۵۰ دختریچه و پسرچه یک صف را تشکیل داده بودند تا از رونالدینیو امضا بگیرند. ما او را بیدار کردیم و به او اطلاع دادیم کودکان آمده اند و می خواهند تو را ببینند. او در پاسخ گفت که بله، مشکلی نیست. سپس به استقبالشان رفت و همه را در آغوش گرفت و برایشان امضا کرد. عصر دوباره این اتفاق تکرار شد و هر روز برنامه همین بود تا این که شیوع ویروس کرونا این ملاقات ها را متوقف کرد.

او در پایان گفت: من به خاطر سمتی که داشتم نمی توانستم با رونالدینیو عکس یادگاری بگیرم. باید مراقب باشم که هر عکسی از من منتشر نشود.

مقصد بدی ویلموتس کجاست؟

رسانه های بلژیکی و ترکیه ای از دو مقصد احتمالی سرمربی سابق ایران سخن به میان آوردند. به گزارش سایت دالمپورتال، مارک ویلموتس سرمربی سابق تیم ملی فوتبال ایران که چند ماه هدایت تیم ملی را بر عهده داشت، بعد از پایان همکاری با تیم ملی ایران بدون تیم بوده است و قصد دارد برای فصل آینده خبر خود را انتخا کند.

رسانه های بلژیکی اخیر دادند ائتورپ مقصد بعدی این مربی است که در تیم ملی فوتبال بلژیک نیز کار کرده است و در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل و یورو ۲۰۱۶ هدایت تیم ملی کشورش را بر عهده داشت. همچنین رسانه های ترکیه ای نیز خبر دادن باشگاه فنرباغچه ترکیه برای جذب این مربی با او وارد مذاکره شده است و مذاکرات دو طرف برای همکاری شروع شده است.